

ایوب

رمانِ مردی معمولی

یوزف روت

www.ketab.ir

ترجمه

محمد همتی

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۴۰۰

Hiob

Roman eines einfachen Mannes

Joseph Roth

dtv Verlagsgesellschaft mbH & Co., München, 2017

ایوب

رمانِ مردی معمولی

ترجمه محمد همتی



نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۱۰۰

طراح جلد: حکمت مرادی

چاپ و صحافی: سپیدار

ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه: روت، یوزف، ۱۸۹۴ - ۱۹۳۹ م Roth, Joseph □ عنوان و نام

پدیدآور: ایوب: رمان مردی معمولی/ یوزف روت؛ ترجمه محمد همتی □

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ نشر نو: آسیم، ۱۴۰۰ □ مشخصات ظاهری:

۱۹۸ ص. □ شابک: ۹-۳۲۱-۴۹۰-۶۰۰-۹۷۸ □ وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

□ یادداشت: عنوان اصلی: 2017 *Hiob: Roman eines einfachen Mannes*

□ موضوع: داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰ م. □ شناسه افزوده: همتی،

محمد، ۱۳۵۸ مهر -، مترجم □ رده‌بندی کنگره: PT۲۶۲۳ □ رده‌بندی دیویی:

۸۴۱۳۶۵۸ □ شماره کتابشناسی ملی: ۸۳۳/۹۱۴

مرکز پخش: آسیم

تلفن و دورنگار: ۵-۸۸۷۴۰۹۹۲

فروشگاه اینترنتی: www.nashrenow.com

قیمت: ۷۰۰,۰۰۰ ریال

سخن مترجم

ایوب علاوه بر تمام همتایان معاصرش که حکمت رنج‌های بشری را دستمایه قرار داده‌اند، از جمله محاکمه اثر کافکا، از منظر تاریخی اسلافی نیز دارد؛ از کتاب ایوب تا ایوب یوزف روت و بلکه راهی از این هم درازتر. حتی در میان متون نودیک به کتاب ایوب عهد عتیق ما وصیت ایوب را داریم که ادامه داستان ایوب است. می‌توان سرآغاز این رنجامه‌نویسی را حتی به صدها و هزارها سال پیش از کتاب ایوب، به زمانی برد که نه «زمین عوص» بود و نه «مردی ایوب‌نام»، حتی به آن نخستین مویۀ زنی در جستجوی حکمت مرگ فرزندش.

ایوب حدوداً در فاصله سال ۱۸۸۵ تا چندی پس از پایان جنگ جهانی اول می‌گذرد. گسترۀ جغرافیایی رمان، از شهرکی یهودی‌نشین در روسیه آغاز می‌شود و به نیویورک در ایالات متحد آمریکا می‌رسد. می‌توان ایوب را اودیسه‌ای فرهنگی نامید که از شرق اروپا و از میان اقلیت حسیدی آغاز می‌شود و به دنیای آن‌سوی آب‌ها، به امریکای سکولار می‌رسد. در پایان رمان، چوخنوف دیگر بخشی از روسیه نیست، همچنان که مندل گرچه ایمانش را بازمی‌یابد، دیگر همان مکتبدار ساده نیست که به کودکان تعلیم تورات می‌داده است و تمام زندگی خود و همسرش در آبروداری خلاصه می‌شده.

مواجهه با این اودیسه کوچک، علاوه بر تمام چالش‌های زبانی و فرهنگی ممکن در هر ترجمه، چالش‌های به‌خصوصی نیز داشت که

مهمترین رویکرد خود نویسنده در نگارش ایوب بود. یوزف روت تماماً عناصر فرهنگی حسیدیان را کمرنگ کرده است. لازم نیست تمام رمان را بخوانیم تا متوجه این مسأله شویم. روت از همان سطرهای آغازین رمان برای واژه‌های ییدیش معادل‌های آلمانی می‌گذارد. از آوردن واژه روسی بابوشکا به معنای پیراهن یا سیدای به معنی بنشین یا آوردن عین کلمات انگلیسی در متن ابایی ندارد^۱، اما برای البسه، مکان‌ها و آداب دینی حسیدیان معادل‌های تحت‌اللفظی ساده آلمانی انتخاب می‌کند که حتی گاه باعث سوء تفاهم می‌شود. او حتی برای اعیاد یهودی معادل‌های مسیحی می‌گذارد و به قولی متن را کریستانیزه می‌کند. اما چرا؟

یوزف روت که خود از یهودیان شرق اروپا بوده است، در سال ۱۹۲۷، یعنی سه سال پیش از انتشار ایوب، در مقاله بلندی با عنوان *Juden auf Wanderschaft* گزارش کاملی از شرایط زندگی یهودیان شرق اروپا ارائه می‌کند. پس جای خالی اسامی و اصطلاحات ییدیش قطعاً در نتیجه ناآگاهی روت از فرهنگ حسیدیان نیست. کتاب با این توضیح آغاز می‌شود:

مخاطب کتاب، آن دسته از مردم غرب اروپا نیست که چون با آسانسور و توالت بزرگ شده‌اند، به خود حق می‌دهند که درباره شپش رمانیایی‌ها و ساس‌های مردم گالیتسیا و کک‌های روس‌ها لطیفه بسازند. [...] پس این کتاب برای که نوشته شده است؟

نگارنده دلخوش به این است که هنوز خوانندگانی هستند که در برابرشان نیازی به دفاع از یهودیان شرق اروپا نیست؛ خوانندگانی که

۱. ناگفته نماند که این رویکرد نویسنده، نوعی تأکید بر گسست میان شخصیت و محیط زندگی‌شان و مفهوم وطن نیز بوده است. به این معنی که وطن مندل سینگر نه در جغرافیای پیرامونش که در زبان ییدیش و دینش است. می‌توان گفت مندل سینگر در ایوب دچار غربتی مضاعف است، ابتدا در زبان اثر که آلمانی است و سپس در لایه‌ای عمیق‌تر در جغرافیای محل زندگی‌اش، خواه در روسیه و خواه در امریکا. هرچا نویسنده قصد نشان دادن غربت او را دارد، زبان رایج پیرامونش را به رخ می‌کشد.

درد را، عظمت انسان را و آلودگی‌ای را که همه‌جا ملازم رنج است، محترم می‌شمرند؛ آن دسته از مردمان غرب اروپا که به دشک‌های تمیزشان نمی‌نازند، آنها که احساس می‌کنند شرق ارمن‌های بسیاری برایشان دارد، و شاید می‌دانند که گالیتسا، روسیه، لیتوانی و رومانی خاستگاه انسان‌ها و افکار بزرگ و همچنین (به زعم آنان) مفیدی است که به شکلگیری و بسط ساختار محکم تمدن غرب یاری رسانده‌اند - و نه فقط جیب‌برهایی که [...] «همان‌هایی از شرق» نامیده می‌شوند.

یوزف روت شرق اروپا را شرقِ دنیای غرب می‌دانسته است، نیمه نادیده گرفته شده و بلکه تحقیرشده فرهنگ غرب که نیمه دیگر برایش لطیفه می‌سازد. شاید دو سال پس از این گزارش نیز یوزف روت با همین محافظه‌کاری به سراغ شخصیت‌ها و فضای رمانش رفته است تا موانع درک اثر و همذات‌پنداری با شخصیت‌های رمانش را از پیش پای خواننده فرضی‌اش بردارد. در بررسی رویکردهای مترجمان غربی به ایوب دریافتم که احتمال مذکور بسیار جدی گرفته شده و تعبیر گوناگونی از آن شده است. اصرار یوزف روت بر زدودن عناصر فرهنگ حسیدی باعث شده است که برخی مترجمان ایوب را صرفاً به چشم بازترجمه‌ای از زبان ییدیش به قصد غرابت‌زدایی بدانند. این گروه از مترجمان، معادل‌های ییدیش را جایگزین معادل‌های آلمانی کرده‌اند و به اصطلاح خواسته‌اند که اثر را به اصل برگردانند. برخی دیگر کوشیده‌اند با افزودن پانویست و توضیح راه میانه‌ای را در پیش گیرند، اما عین عبارات یوزف روت را نگه داشته‌اند. گروه سوم نیز راه یوزف روت را رفته‌اند و انگار که فضای رمان در اروپای غربی می‌گذرد، معادل‌های غربی/مسیحی روت را بدون هیچ توضیحی نگه داشته‌اند.

در همان آغاز کار، بر سر این سه راهی سردرگم بودم. عاقبت و پس از مطالعه بیشتر و پرس‌وجو از پژوهشگران، اگر نه به رویکردی تازه، به

نگاهی تازه به آن سه رویکرد رسیدم. تجربه‌ام از پیچیدگی‌های سبک یوزف روت در مارش رادتسکی، مرا به این نتیجه رساند که او - دست‌کم - صرفاً نمی‌خواسته است که با حذف عناصر فرهنگی حسیدیان، درک رمان را برای خواننده آسان‌تر کند، این نخستین و سطحی‌ترین برداشت از رویکرد نویسنده‌ای به پیچیدگی روت است. یوزف روت نشان داده است که نخستین برداشت‌ها از آثار او اغلب نادرستند و سبک نویسنده می‌تواند گمراه‌کننده باشد، خصوصاً در استفاده از رسانه زبان. یوزف روت از آن دسته نویسندگانی است که عادت به تشریح رویکردهای نویسندگی‌اش نداشته است و این کار را خطرناک می‌دانسته و به قول زیالد^۱ زیبایی‌شناسی آثارش در پرده‌ای از ابهام بوده است. نگاهی به سال نگارش رمان ایوب نیز راهگشا است. سال ۱۹۲۹ سال اوج بحث بر سر فرم رمان مدرن بوده است. این همان مسأله‌ای است که آلفرد دوبلین الکساندر پلاتس را منتشر می‌کند و در مقام نظریه‌پرداز رمان ظاهر می‌شود، یا اولیس جیمز جویس غوغا به پا می‌کند.^۲ یوزف روت به گمان نگارنده، در گرماگرم همین شرایط، فروپاشی جهان یهودیان شرق اروپا را با ایوب - نه توصیف - که ساخته است؛ به عبارتی رمان ایوب تجسم فروپاشی آن دنیا، البته در آینه فرم و زبان است. شخصیت‌ها آداب دین یهود را به جا می‌آورند، اما زبان، بازتاب^۳ دیگرگونی از این آداب دارد. از این منظر می‌توان گفت که یوزف روت صرفاً در تلاش برای کاستن فاصله خوانندگان با فضای اثر نبوده است. این استاد روایتگری، متنی متخلخل آفریده است، پازلی ناتمام و پرسش‌برانگیز، پیکری مثله‌شده - و شاید مسخ‌شده - که تجسم فروپاشی سنت - به نمایندگی اقلیت حسیدی - و اضمحلال آن در فرهنگ غالب غربی است

1. Winfried Georg Sebald (1944-2001)

2. Die Sprache jüdische Figuren in der deutschen Literatur (1750-1933), Mathias Richter, 1995, Ss. 183, 184.

۳. واژه بازتاب و انعکاس از واژه‌های محبوب یوزف روت در ایوب نیز است.